

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۲۷ اپریل ۲۰۱۷

شمشیر چوبی دن کیشوت افغانی باز به کار افتاده است!

اعتراض دن کیشوت افغانی بر مقاله «فضیلت و فلسفه نماز جمعه و کشتار مسلمانان در این روز» من عمدتاً بر این نکته است، که چطور می تواند کسی حکایت پنجاه و دو سال قبل را چنان به خاطر داشته باشد، که بتواند آن را در یک و نیم صفحه بعد از این همه سال کلمه به کلمه بیان کند. ضمناً این دلکچ بی مقدار می گوید که سخنان "سدید" در مورد آنچه آن ملا گویا گفته بود، کنایه آمیز می باشد و او آن ها را از شکم خود ساخته ام.

هر چند به جواب چنین انسانی کم خرد و بی شرم پرداختن خود نشانه کم خردی است، اما اگر "کام" این گونه انسان ها را بلند نکنیم، صدای غرغر و خرخر گلوئی "جر" و کنیف شان بدون شک گوش همه را کر و همه را از راه بدر می سازد؛ چیزی که فکر نکنم هیچ افغان فاضل، علیم و در ضمن درد رسیده، خواهان آن باشد.

از زیاد پرگوئی و پرنویسی می گذرم و به کاویدن ترهات و مهملات این اعجوبه دوران و سردار کدخداهان می پردازم: ۱- وقتی تو غول بی یال و دم در نود سالگی توان به خاطر داشتن صد ها داستان و قصه و افسانه و حکایت را داشته باشی، چرا نباید فرد دیگری، که خیلی از تو جوان تر است، قادر به، به خاطر سپردن آنچه را دیده و شنیده است، نباشد؟ همین سخن را شخص محترم دیگری در رابطه با ضعف و قوت حافظه مرحوم "کاتب" مؤرخ نامدار کشور، زمانی نچندان دور با وضاحت تمام به گوش این دلکچ روزگار رسانیده بود، ولی فایده ای، قسمی که انتظار می رفت و دیده می شود، نبخشید؛ چون خر اگر خر حضرت عیسی هم باشد، باز هم خر است!

آیا این مرد نود ساله را خالق و آفریدگار هستی از عنصر خاص و جدا از دیگران و فوق العاده آفریده است؟ بسیار احتمال دارد، نظر به شناختی که از وی موجود است، این آدم لافوک بیهوده گوی خودستا همه واقعیت ها و همه آن انسان هائی را که بالاتر از صد سال عمر کرده اند و هنوز دارای حافظه قوی و قابل اطمینان هستند، نادیده بگیرد و بگوید: آره، همین طور است! ما "سید"یم و دارای ماهیت و جنسیت و کیفیت ویژه!

چند روز پیش خبر مرگ زنی را از تلویزیون شنیدم، که یک صد و هفده سال عمر نموده بود و هنوز هم حواسش سرجایش بود. طبیعی است، که همه مانند این زن چنان عمر دراز نخواهند کرد و دارای چنان حافظه قوی نمی مانند؛ کسی در جوانی عقل و حواس و حافظه اش را از دست می دهد، کسانی هم تا صد و هفده سالگی حافظه درخشان دارند. طبیعت قادر است هر کاری بکند. صادر کردن حکم قطعی کار نابخردان است؛ نه کار یک انسان نادانی که خود را در قطار دانایان به حساب می آورد!!

— این احمق روزگار که خود را استاد زبان و ادبیات و زبان شناس نیز می خواند، این را هم نمی داند که: مهم آنچه نیست، که انسان یک خبر، یک حکایت یا یک موضوع و گفته را کلمه به کلمه حکایت کند، چنین امری بسیار بسیار نامحتمل است. مهم این است، که کسی محتوای یک گفتار، خبر یا پیام را بدون کم و کاست به گوش کسی برساند. محتوای موعظه آن ملای مهذب همان بود، که به گونه ای غیر مستقیم نقل شد. اگر سخنان آن مرد شریف نقل بالنقل بیان می شد، من با به کار بردن قاعده دستوری "نقل قول مستقیم" سخنان وی را در درون علامت نقل قول ("...") یا («...») قرار می دادم.

نبود چنین علامتی حین نقل اقوال آن ملا، قاعدتاً باید گویای این اصل باشد، که من ناقل آن کلمات و جملات هستم و نه گوینده آن ها.

خوب، هست دیگر! اگر این دیوانه و مدعی استادی، و مدیحه سرایانی که با نثار مدیحه های نغز او را ستایش می کنند، این مسأله را می فهمیدند، یعنی می فهمیدند که این کله پوچ پرمدعا چقدر از دنیای زبان و ادب دور افتاده است، شاید از شرم آب می شدند و به زمین فرو می رفتند — اگر شرم می داشتند!

— انسان های با درد، با احساس، ضد خشونت و مخالف خون و خونریزی به پیام مقاله گوش می دهند و به کسانی که چنین عمل وحشیانه، زشت و غیرانسانی را مرتکب شده اند، نفرین می فرستند و آن ها را محکوم می کنند. از دلگی به نام "هاشمیان" با پدران فریب کار و دزد و بیرحمش، که خود سابقه ارتباط با طالب جنایت پیشه و فرسوده ذهن و وطن فروش دارد، از کسی که تا حال در هیچ نوشته ای، هیچ کار طالب، حتا خونین ترین کار آن ها را تقبیح و محکوم نکرده است، باوجودی که گفته می شود درحمله به قول اردوی ۲۰۹ بلخ و انفجار و انتحار و حملات با سلاح های مختلف دیگر، بیشتر از صد و شصت نفر کشته و بیشتر از دو صد نفر مجروح گردیده است، آنهم در درون مسجد و در حالی که همکیشان خود طالب درحال نماز و عبادت و به جا آوردن اوامر خدا بودند، که مطابق دید ما باید خدای طالب هم باشد، چنین انتظاری به آن می ماند که «از خانه یک دزد قرآن برآید!»

من این کار طالب را با نوشتن آن مقاله و ذکر فلسفه و فضیلت نماز جمعه برحسب تعالیم دین، محکوم کردم. اما از این دجال، که دعوای اسلامیت و انسانیت هم دارد، اگر مدافعان و رهروان و مداحان فرومایه اش تا کنون چیزی شنیده است، به مردم نشان بدهند!

خشم دن کیشوت افغانی بر مقاله یاد شده ای من، با خوردن مدفوعات استفراغ شده درون شکم خود، تنها برای آن است، که من حمله دزدانه، غیرانسانی، غیراسلامی و ناجوانمردانه طالب، پیشوای فکری وی و تمام احمقان جهان را، با شدت و غضب تمام و با آوردن دلایلی از قرآن و تعالیم اسلامی محکوم نموده ام.

اگر من بر طالب درود و ثنا و دعا می فرستادم، نه ملحد خوانده می شدم و نه دهری و ایرانی و اسماعیلی و پدramی و...!

ببینید که انسان های بی وجدان و رذل، وقتی خواسته باشند از باور های سیاسی - دینی، گاهی هم شخصی خود، که بیشتر به مقصد تأمین حوائج مادی خود و خر ساختن مردم آن ها را تبلیغ می کنند، چه چیز هائی را به هم ربط می دهند و از آن ها چه نتیجه هائی را می گیرند؟!

مسلمانی تنها به کلمه خواندن و روزه گرفتن و حج رفتن و نماز خواندن و زکات دادن نیست، همه این ها برای مسلمان بودن لازمی است، اما بدون داشتن اخلاق اسلامی فکر نکنم بنای اسلام و مسلمانی کسی کامل خوانده شود!!

— می نویسد که سدید حرف هائی را به نام آن ملا از شکم خود ساخته است! از کجا می دانی؟ حدس می زنی یا دقیق می فهمی؟ حدس و گمان که از نظر قوانین دنیوی و هم از نظر قوانین آسمانی دارای اعتباری نیست، که بر مبنای آن کسی بتواند حکمی صادر کند.

اگر این دلقک دعوا دارد، که من آن را دقیق می دانم، باید پرسیده شود، که از کجا و چگونه آن را دقیق می دانی؟ چنین قدرتی، از نگاه اسلام تنها درحیطه توانائی های خدای خبیر و علیم و بصیر است، که از درون ذهن و دل و مغز انسان ها می تواند اطلاع داشته باشد و از همه چیز خبر است و همه چیز را می بیند. شما که خدا نیستید، چگونه آن را می دانید؟ یا شاید حال، علاوه بر استادی و داکتری و پروفیسوری و زبان شناسی و روان شناسی و...، دعوای خدائی هم می کنید؟

از این حیوان بی شاخ و دم انسان نما، این خودپسند بی غیرت که با هر زبانی برایش بفهمانی نمی فهمد، این کار هم، با همه زشتی و معصیت آن، دور از انتظار نیست!

۲۰۱۹/۰۴/۲۶